

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم  
سال نهم (۱۳۹۸)، شماره بیستم

### تحلیلی زبان‌شناختی - بین‌الادیانی از انگاره نذر در قرآن کریم

احمد پاکتچی<sup>۱</sup>

محمدحسین شیرزاد<sup>۲</sup>

محمدحسن شیرزاد<sup>۳</sup>

#### چکیده

«نذر» از جمله انگاره‌های دینی در قرآن کریم است که مطالعه پیرامون ماهیت و احکام مربوط به آن، همواره مورد توجه عالمان مسلمان قرار داشته است. فاصله‌های تاریخی - گفتمانی موجب شده است، لغویان و مفسران معنای انگاره قرآنی «نذر» را به معنای ساخت‌یافته آن در دانش فقه نزدیک دانند. پژوهش حاضر می‌کوشد برای بازکاوی ماهیت «نذر» در بافت نزول قرآن کریم، از داده‌های زبان‌شناسی تاریخی و مطالعات بین‌الادیانی بهره گیرد. پی‌جویی واژه عربی «نذر» در زبان‌های خویشاوند و بررسی این آیین در دیگر ادیان سامی نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج میان عالمان مسلمان، «نذر» در عصر نزول قرآن کریم بر دو گونه متفاوت از مناسک دینی اطلاق می‌شده است. بخشی از کاربردهای «نذر» در آیات قرآنی در ارتباط با معنای «عهد کردن» و ناظر به مطلق پیمان‌های نذرکننده با خدا، و بخش دیگر در ارتباط با معنای «وقف شدن (برای انجام کاری)» و ناظر به مناسکی خاص همراه با دوره موقت یا دائمی از امساک بوده است. واژگان کلیدی: نذر نذیره، مناسک دینی، حج، تاریخ انگاره، ریشه‌شناسی، تفسیر قرآن.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع) / apakatchi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول) / m.shirzad862@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع) / m.shirzad861@gmail.com

۱- مقدمه

نذر از جمله انگاره‌های دینی به شمار می‌رود که افزون بر اختصاص بخشی از میراث علمی جهان اسلام در حوزه‌های متنوعی چون فقه و حدیث و تفسیر به خود، به فرهنگ عمومی مردم مسلمان نیز راه یافته است. مسلمانان «نذر» را یکی از شیوه‌های ارتباط با خداوند متعال برشمرده، بر این باورند که با اهدای نذورات می‌توانند به حوائج و خواسته‌هایشان نائل آیند. اگر «نذر» را به‌مثابه پیمان و تعهد دوسویه میان انسان و خدا بنگریم، «نذر» به یک مبادله هدیه‌ای می‌ماند؛ خداوند متعال دست به دهنش زده، حاجات بنده‌اش را برآورده می‌سازد و بنده نیز در پاسخ، موظف به اهدای نذورات به پیشگاه الهی می‌گردد. پای‌بند نبودن انسان به پیمانش، علاوه بر آنکه خشم و غضب الهی را برمی‌انگیزد، برقراری پیمان‌های بعدی را نیز دشوار می‌سازد (ر.ک. Klinger, 1987, p. 301).

نکته دیگر در باب «نذر»، عطف توجه به پیشینه جاهلی این انگاره است. هر چند اطلاع دقیقی از کم و کیف جایگاه «نذر» نزد عرب پیش از اسلام در دست نیست، اما شواهد حاکی از آن است که «نذر» انگاره‌ای شناخته نزد آن‌ها بوده است (ر.ک. علی، ۱۹۷۸، ج ۶، صص ۱۸۹-۱۹۵). اطلاعات موجود از دوره پیشا اسلامی، بیشتر در بیان رخداد‌های خاص و ویژه‌ای بر جای مانده که برای تبیین دقیق این انگاره نزد عرب پیش از اسلام، ناکافی است. گاه برخی از این وقایع، غریب و تعجب‌برانگیز به نظر می‌رسند که خود حاکی از عجین شدن نذر با باورها و اعتقادات عامه مردم جاهلی است. برای نمونه، فردی نذر کرده بود که خود را به مدت یک شبانه‌روز عریان نماید (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۶/ صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۴۳۸). فرد دیگری نذر کرده بود که تا مدت‌ها زیر نور مستقیم خورشید بماند، با کسی سخن نگوید و نشیند (ر.ک. بخاری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۴۶۵/ ابو داوود، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۵۴/ ابن ماجه، ۱۹۵۲، ج ۱، ص ۶۹۰). فرد دیگری نذر کرده بود که با برادرش سخن نگوید (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۵۱) و مادری نذر کرده بود که تا فرزندانش او را اطاعت نکنند، مویش را شانه نزنند و زیر تابش مستقیم خورشید منتظر بماند (مثلاً ر.ک. ابن هشام، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۲۲). نیز منابع تاریخی و روایی، از جناب عبدالمطلب جد پیامبر اکرم (ص) سخن گفته‌اند که نذر کرده بود اگر صاحب ده فرزند شود، یکی را برای خدا قربانی کند (برای مشاهده در منابع اهل سنت، ر.ک. بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، صص ۷۸-۷۹/ یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۴۶-۲۴۷/ نیز برای مشاهده در منابع امامیه، ر.ک. ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۵۵-۵۷، ۱۵۶-۱۵۷/ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۲۱-۲۲). شایان ذکر است، قرار گرفتن مبحث «نذر» در بخش «معاملات» از دانش فقه، قرینه‌ای بر

این مطلب است که فقها «نذر» را از جمله احکام امضایی دین اسلام می‌شمردند و آن را در پیوستار جاهلی - اسلامی مورد تحلیل قرار می‌دادند.

افزون بر این، «نذر» از جمله انگاره‌هایی به شمار می‌آید که دارای ابعاد بین‌الادیانی نیز هست. این انگاره علاوه بر اختصاص بخشی از آموزه‌های اسلامی به خود، در دیگر ادیان سامی نیز مورد توجه قرار گرفته، به‌ویژه در عهد عتیق بازتاب گسترده‌ای یافته است. افزون بر اینکه بخشی از آموزه‌های تورات به بیان احکام و قوانین مربوط به نذر اختصاص پیدا کرده، بر پایه گزارش عهد عتیق، زندگی برخی از شخصیت‌های بنام بنی‌اسرائیل همچون شمشون و سموئیل با نذر پیوندی ناگسستنی داشته است (برای مشاهده فهرستی از کاربردهای این انگاره در عهد عتیق، ر.ک. پوست، ۱۹۸۱، صص ۵۷۵-۵۷۶). حضور پررنگ اهل کتاب در شبه‌جزیره عربستان و برتری فرهنگی - اجتماعی آن‌ها بر امیین (پاکتچی، ۱۳۸۰، صص ۴۷۵-۴۷۶) نیز بر ابعاد بین‌الادیانی انگاره نذر می‌افزاید. در راستای تماس فرهنگی میان امیین و اهل کتاب، برخی از مستشرقان بر این باورند که «نذر» یک وام‌واژه‌ی عبرانی - سریانی است که از حوزه‌های یهودی - مسیحی به زبان عربی راه یافته است (Jeffery, 1938, p. 278)؛ دیدگاهی که مورد اقبال برخی از لغویان مسلمان نیز قرار گرفته است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۷۵).

گرچه «نذر» چنانکه گذشت، دارای ابعاد مختلف زبان‌شناختی و بین‌الادیانی است، اما آنچه موضوع مطالعه محافل عالمان مسلمان قرار گرفته، مفهوم ساخت یافته «نذر» است که محصول دوره تدوین فقه به شمار می‌آید. از همین رو، جای خالی پژوهشی که بتواند با غلبه بر فاصله تاریخی - گفتمانی، به بازسازی این انگاره متناسب با عصر نزول قرآن کریم نائل آید، احساس می‌شود. پژوهش حاضر برای تحقق همین هدف می‌کوشد با بهره‌گیری از داده‌های زبان‌شناسی تاریخی، گزارش‌های برجای‌مانده از احوال و فرهنگ عرب جاهلی و آموزه‌های عهدینی، به بازخوانی این انگاره در بستر فرهنگی آن همت گمارد.

## ۲- کاربردهای قرآنی واژه نذر

واژه «نذر» شش بار در پنج آیه از قرآن کریم به کار رفته است که در ادامه، هر یک در سیاق خود مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

الف ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾<sup>۱</sup> (بقره: ۲۷۰ / ۲).

این آیه به همراه آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴ سوره مبارکه بقره، سیاق واحدی را شکل داده‌اند که محور بحث آن، انفاق در راه خدا است. شیوه انفاق اموال، غرض از انفاق اموال، ویژگی اموالی که انفاق می‌شود، مصارف انفاق، موانع، آثار و برکات انفاق، از جمله مسائلی هستند که در این سیاق به بحث گذاشته شده‌اند (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، صص ۳۸۲-۳۸۳). افزون بر انفاق، از نذر نیز در این سیاق، به اختصار سخن به میان آمده است که خود نشان می‌دهد مقصود از آن در این بافتار متنی، پرداخت‌های مالی است که به واسطه نذر بر عهده مکلف می‌آید. همچنین قرار گرفتن عبارت ﴿فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ﴾ به عنوان جواب شرط برای ﴿وَمَا ... نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ﴾ حاکی از آن است که خداوند متعال توقع دارد اهل ایمان به نذور خود پایبند باشند و به مفاد آنچه نذر کرده‌اند، وفادار باقی بمانند. آنچه این برداشت را تأیید می‌کند، آیه ۲۶۸ سوره مبارکه بقره است: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup>. شیطان با وعده اهل ایمان به فقر، آن‌ها را از انفاق و پایبندی به نذور منصرف می‌سازد؛ در برابر، خداوند واسع با وعده به فضل و زیادت نعمت، همگان را به دهش‌های مالی دعوت می‌کند.

ب ﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾<sup>۳</sup> (آل عمران: ۳۵ / ۳).

درحالی که آیه قبل، از «نذر» در میان امیینی سخن می‌گفت که به تازگی به جرگه اهل ایمان پیوسته‌اند، این آیه شریفه در سیاق بحث از ولادت حضرت مریم (س) به گونه‌ی خاصی از نذر

- هر چه را انفاق یا نذر کرده‌اید، خدا به آن آگاه است، و ستمکاران را هیچ یاری و مددکاری نیست.
- شیطان شما را از بینوایی می‌ترساند و به کارهای زشت و می‌دارد، در حالی که خدا شما را به آمرزش خویش و افزونی وعده می‌دهد. خدا گشایش‌دهنده و داناست.
- و زن عمران گفت: ای پروردگار من، نذر کردم که آنچه در شکم دارم از کار اینجهانی آزاد و تنها در خدمت تو باشد. این نذر را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی.
- برخی شواهد بر این مطلب گواهی می‌دهند که مخاطب عبارت شریفه ﴿نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ﴾ مسلمانانی هستند که مدت بسیاری از اتصافشان به ایمان نمی‌گذرد. اولاً: این گروه، دو بار در سیاق آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴ سوره مبارکه بقره، با عنوان ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ مورد خطاب قرار گرفته‌اند. چنان که از قواعد صرفی نیز برمی‌آید، «الَّذِينَ آمَنُوا» بر فعل ایمان دلالت دارد و از ممارست این گروه بر الزامات و آداب ایمان برای رسیدن به مراتب بالای آن خبر می‌دهد. در برابر،

در بافت دینی یهود اشاره کرده است. بر اساس آیه مورد بحث، «نذر» از جمله انگاره‌هایی در بافت نزول است که علاوه بر فرهنگ امیین، در فرهنگ یهود نیز نقشی مؤثر در ارتباط با یهوه ایفا می‌کرده است. گفتنی است، این گونه از نذر (نذر برای گماردن فرزندان به خدمت‌گزاری برای عبادتگاه)، گونه‌ای ناشناخته از نذر است که به شدت از گونه‌های متعارف در فرهنگ اسلامی فاصله می‌گیرد (برای بسط مطلب، ر.ک. همین مقاله، بخش «بازخوانی انگاره نذر بر پایه نذر نذیره در آیین یهود»).

ج) ﴿... فَأَمَّا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾<sup>۱</sup> (مریم: ۲۶/۱۹).

این آیه به همراه آیات ۱۶ تا ۳۳ سوره مبارکه مریم، سیاق واحدی را شکل داده‌اند که به داستان ولادت حضرت عیسی (ع) و وقایع پس‌از آن اختصاص یافته است. در این آیه شریفه نیز دیگر بار، شاهد کاربرد واژه «نذر» در بافت دینی یهود هستیم که به‌روشنی از رواج گسترده این آیین مذهبی در میان عبرانیان حکایت دارد.

د) ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾<sup>۲</sup> (حج: ۲۲/۲۹).

این آیه شریفه در اثنای سیاقی منسجم (آیات ۲۵ تا ۳۷) که گوشه‌ای از اعمال و مناسک حج را بازگو می‌فرماید، قرار گرفته و از وجوب وفای به نذور سخن گفته است. به‌این ترتیب، در این آیه شریفه برخلاف دو آیه قبل، با «نذر» به‌مثابه یک آیین و منسک اسلامی - نه یهودی - روبرو هستیم که با دیگر مناسک حج چون «قضای تفت» و «طواف بیت عتیق» همراه است. گویی نذر در این آیه، دارای برخی مؤلفه‌های معنایی ناشناخته است که معنای آن را با قضای تفت و طواف بیت عتیق پیوند می‌زند. همچنین نوع پرداخت قرآن کریم از مناسک حج در این سیاق که دائماً

---

«المؤمن» بر یک وصف و حالت ماندگار و پایا دلالت دارد که از رسوخ ایمان در دل فرد حکایت می‌کند. ثانیاً: عبارت شریفه ﴿لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾ (بقره: ۲/۲۷۲) که به‌عنوان جمله معترضه میان گفتگوی خدا با این گروه قرار گرفته است، نشان می‌دهد که این افراد در مسیر هدایت قرار دارند و هنوز به مقصد نهایی راه نیافته‌اند. ثالثاً: سطح آموزه‌هایی که در این سیاق به گروه مخاطب القا شده، حاکی از آن است که آن‌ها مراحل آغازین ایمان را سپری می‌کنند. نهی از منت‌گذاری و آزاررسانی پس از پرداخت صدقه، نهی از ریا در انفاق، نهی از دادن اموال بی‌ارزش به‌عنوان انفاق و ... نمونه‌هایی روشن از همین مطلب است.

۱. اگر از آدمیان کسی را دیدی، بگو: برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز با هیچ بشری سخن نمی‌گویم.

۲. سپس چرك از خود دور کنند و نذرهای خویش را ادا کنند و بر آن خانه کهنسال طواف کنند.

بین زمان نزول و زمان ابراهیم (ع) رفت و برگشت کرده، می‌خواهد به ریشه‌یابی حج اسلامی در حج ابراهیمی بپردازد، این نکته را پررنگ می‌سازد که مناسک مورد بحث در این سیاق، از پیشینه‌ای طولانی برخوردارند و از اختصاصات شریعت اسلامی به شمار نمی‌روند.

ه) ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾<sup>۱</sup> (انسان: ۷/۷۶).

این آیه که در اثنای سیاق توصیف «ابرار» جای گرفته، از وفای به نذر به عنوان نخستین ویژگی ایشان یاد کرده است. این آیه نیز همچون آیه قبل، بر وفای به نذر تأکید کرده و تلویحاً عدم پای‌بندی به آن را موجب «شر مستطیر» دانسته است.

به عنوان جمع‌بندی از این بحث باید گفت، مرور بر کاربردهای قرآنی انگاره «نذر» حاکی از آن است که با وجود همگرایی و همبستگی مضمونی میان کاربرد نذر در نخستین و آخرین آیه، هر یک از کاربردهای آن در آیات میانی گونه‌ای از استقلال را نشان می‌دهند. این در حالی است که عموم انگاره‌های قرآنی، در سیاق‌هایی با مضامین واحد و یا دست‌کم مشابه به کار می‌روند. توجه به این نکات می‌تواند بیانگر پیچیدگی این انگاره در بافت فرهنگی شبه‌جزیره عربستان در عصر نزول قرآن کریم باشد.

### ۳- برداشت‌های تفسیری از مفهوم نذر

مرور بر اقوال منتسب به صحابه و تابعان نشان از آن دارد که معنای «نذر» در آیات ۲۷۰ بقره، ۲۶ مریم و ۷ انسان مورد وفاق همگان بوده و گویا به دلیل وضوح معنایی، نیازی به بحث و گفتگو درباره آن احساس نمی‌شده است. از همین روی، مفسران این عصر به‌جای تبیین معنای «نذر» در این آیات، از معنای ﴿يَعْلَمُهُ﴾ در آیه ۲۷۰ سوره بقره (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۶۱/ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۳۵)، انحصار روزه سکوت به شریعت عصر حضرت مریم (س) و نیز ترجیح قرائت «صمتاً» بر «صوماً» در آیه ۲۶ سوره مریم (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۵۶/ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، صص ۱۹۹-۲۰۰) و در نهایت معنای «یوفون» و «مستطیر» در آیه ۷ سوره انسان (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، صص ۳۳۹۰-۳۳۹۱/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰، صص ۱۲۷-۱۲۸) سخن گفته‌اند. در مقابل، گویا معنای «نذر» در آیات ۳۵ آل عمران و ۲۹ حج از همان صدر اول از تیرگی برخوردار بوده و موضوع مناقشات تفسیری قرار گرفته است.

۱. به نذر وفا می‌کنند و از روزی که شر آن همه جا را گرفته است، می‌ترسند.

در سخن از معنای «نذر» در آیه ۳۵ سوره مبارکه آل عمران، نخست باید به طیف وسیعی از اقوال برجای مانده از این عصر اشاره کرد که آن را نذری می‌دانستند که به واسطه‌اش کودکان را از خردسالی برای عبادت و پرستش خدای متعال به کنیسه‌ها می‌سپردند. این دیدگاه تفسیری که به ابن عباس و گروهی از تابعان چون عکرمه، عامر شعبی، سعید بن جبیر، قتاده بن دعامة، سدّی و ضحاک بن مزاحم نسبت داده شده است، متعلّق نذر را وقف کودکان برای عبادت می‌داند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۶۳۶/ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، صص ۱۸-۱۹). این در حالی است که گروه دیگری از تابعان چون ربیع بن انس و شرحبیل بن سعد، مقصود از نذر در آیه مورد بحث را وقف کودکان برای خدمت‌گزاری به کنیسه‌ها دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، صص ۱۵۷-۱۵۸/ سیوطی، همانجا). گفتنی است، خصیص دیدگاه نخست، و نصر بن عربی دیدگاه دوم را به مجاهد بن جبر نسبت داده‌اند (ابن ابی حاتم، همانجا).

در بحث از معنای «نذر» در آیه ۲۹ سوره مبارکه حج نیز اقوال مختلف تفسیری از صحابه و تابعان نشان از تیرگی معنایی آن در سده‌های نخست هجری دارد. ابن عباس معنای «وفای به نذور» را قربانی آنچه حج‌گزار نذر کرده، دانسته است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۱۱۰). ابراهیم بن میسرّه تفسیر «نذور» به «ذبائح» را به مجاهد بن جبر نسبت داده، اما ابن ابی نجیح نظر مختار مجاهد را «تمامی آنچه حج‌گزار در حج به واسطه نذر بر خود واجب می‌کند» بیان کرده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۳۶۷). عکرمه «نذورهم» را به «حجّهم» تفسیر کرده و سفیان ثوری آن را راجع به کلیه مناسک حج اعم از طواف، سعی و ... دانسته است (ابن کثیر، همانجا). در روایت ذریح محاربی از امام صادق (ع) نیز «نذور» به «مناسک حج» تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۴۹/ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، صص ۴۸۵-۴۸۶/ همو، ۱۴۰۳، ص ۳۴۰). گذشته از مفسران صدر اول، اغلب عالمان تفسیر در سده‌های بعد، دست به همگرایی میان کاربردهای مختلف «نذر» در قرآن کریم زده، با نادیده انگاشتن تفاوت‌ها، آن را به معنای ساخت‌یافته نذر در دانش فقه نزدیک ساخته‌اند (مثلاً ر.ک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۶۱/ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۹، ج ۱۰، ص ۲۰۹/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۲۲، ج ۲۰، ص ۱۲۷).

به‌عنوان جمع‌بندی از این بحث باید گفت احساس بی‌نیازی صحابه و تابعان از تفسیر «نذر» در آیات ۲۷۰ بقره، ۲۶ مریم و ۷ انسان و در مقابل، اقدام آن‌ها به تفسیر «نذر» در آیات ۳۵ آل عمران و ۲۹ حج، حاکی از وجود یک شکاف عمیق در میزان آگاهی‌ها از معنای نذر است. درحالی‌که نذرهای مورد بحث در گروه نخست، برای همگان شناخته و قابل‌درک انگاشته می‌شد، گویا نذرهای مورد بحث در گروه دوم، مربوط به دوره‌ای متقدم‌تر است که پس از مرور زمان،

در عصر تابعان رو به متروک شدن و فراموش شدن گذاشته است. نیز اختلافات تفسیری عالمان این عصر در بیان معنای نذر در این گروه از آیات، همین مطلب را تأیید می‌کند. جالب آن است که به‌رغم اختلاف آرای منقول از صحابه و تابعان در تفسیر این آیات، شاهد افزایش وضوح در روند تاریخی تفسیر آن‌ها هستیم. گویا مفسران سده‌های بعد بر پایه استصحاب قهقرایی<sup>۱</sup>، معنای نذر در این آیات را در قالب معنای ساخت‌یافته نذر در دانش فقه فهم کرده‌اند.

عجیب‌تر آنکه لغویان مسلمان نیز تحت تأثیر معنای اصطلاحی «نذر» در علم فقه، رویه رایج خود را کنار گذارده، بدون آنکه معنای اصیل ماده «نذر» و کیفیت اشتقاق واژه «نذر» را روشن سازند، آن را به «واجب ساختن چیزی بر خود که در اصل واجب نیست» معنا کرده‌اند (مثلاً ر.ک. خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۸۰ / راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۹۷ / ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۰۰). منطق حاکم بر این عملکرد واژه‌شناختی نشان می‌دهد که آن‌ها آگاهی‌های ناچیزی از گذشته این ماده در اختیار داشته‌اند. به نظر می‌رسد، آنچه مصطفوی - لغت‌شناس معاصر - را به وام‌واژگی «نذر» سوق داده (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۷۵)، دلالت آن بر یک معنای مرکب و انضمامی بدون روشن بودن کیفیت اشتقاق آن است.

#### ۴- تحلیل زبان‌شناختی - بین‌الادیانی از نذر

از آنجا که تحلیل قاموسی ماده «نذر» نمی‌تواند اطلاعات درخوری را پیرامون فرآیند ساخت معنای «نذر» به‌عنوان یک آیین دینی در اختیار گذارد، ناگزیر می‌بایست از طریق پی‌جویی همزادهای این ماده در دیگر زبان‌های سامی، به مطلوب خویش دست یابیم. آنچه در مسیر همزادابی برای این ماده باید مورد توجه قرار گیرد آن است که مقایسه نظامات واجی زبان‌های سامی نشان می‌دهد که واج «ذال» از اختصاصات زبان عربی به شمار می‌رود (Wright, 1890, p. 55). بر پایه قواعد تبدیل واجی، معادل این واج در برخی از زبان‌های سامی همچون آرامی واج 7 (دالت) و در برخی دیگر چون عبری واج 2 (زین) است (Oleary, 1923, p. 53 / Gray, 1971, pp. 11-12 / Moscati, 1980, p. 28). با عنایت به این نکته، آنچه در خصوص ماده «نذر»، تأمل‌برانگیز است آن است که همزادهای این ماده در شاخه شمالی مرکزی

۱. استصحاب قهقرایی در نقطه مقابل استصحاب متعارف قرار دارد؛ به این شکل که در استصحاب متعارف، «یقین» از تقدم زمانی نسبت به «شک» برخوردار است، حال آنکه در استصحاب قهقرایی، «شک» بر «یقین»، تقدم زمانی دارد (مظفر، ۱۴۲۸، ص ۴۷۴).



زبان‌های سامی همچون عبری، آرامی و سریانی هم به صورت «ندر» (נדר) و هم به صورت «نزر» (נזר) به ثبت آمده‌اند. بی‌توجهی به همین نکته موجب شده است که گروهی از سامی‌شناسان، مسیر همزادیابی برای ماده عربی «نذر» را به خطا روند (ر.ک. مشکور، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۹۰۱/ کمال الدین، ۱۴۲۹، صص ۳۷۷-۳۷۸). بر پایه قاعده واج‌شناختی فوق‌الذکر، در مقام تحلیل از تجمیع گویشی صورت‌های נדר (ندر) و נזר (نزر) در زبان‌های شاخه شمالی مرکزی باید گفت، صورت נזר (نزر) در زبان عبری واجد اصالت عبرانی است، اما صورت נדר (ندر) در این زبان را باید وام‌واژه‌ای دانست که از حوزه‌های آرامی به زبان عبری راه یافته است. در برابر، صورت נדר (ندر) در زبان آرامی واجد اصالت، و صورت נזר (نزر) در این زبان حاصل وام‌گیری از حوزه‌های عبرانی است.

صرف‌نظر از همگرایی یا واگرایی ریشه‌ای میان ماده‌های «ندر» و «نزر»<sup>۱</sup>، دست‌کم این ماده‌ها در مقام کاربرد، با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارند و دارای معانی محوری متفاوتی هستند. بر این اساس، به هر میزان که فهم دقیق‌تری از این ماده‌ها به دست آید، مسیر برای فهم ماده عربی «نذر» هموارتر خواهد شد. از این‌رو، اگرچه بر پایه دیدگاه لغویان و مفسران، تمامی کاربردهای واژه «نذر» در قرآن کریم، تنها برای دلالت بر یک معنا به کار گرفته شده‌اند اما بر پایه ریشه‌شناسی زبان‌های سامی، این احتمال قوت می‌یابد که بخشی از کاربردهای این واژه در ارتباط با ماده «ندر» و معنای محوری آن، و بخش دیگر در ارتباط با ماده «نزر» و معنای محوری آن به فهم درآیند.

#### ۴-۱- تحلیل زبان‌شناختی از ماده «نزر» در زبان‌های سامی

جستجو در فرهنگ‌های زبان‌های سامی نشان از حضور ماده «نزر» در شاخه‌های مختلف این خانواده زبانی دارد. نخست باید از واژه נזר (nāzar) در زبان عبری یاد کرد که به معنای «وقف کردن (خود برای انجام کاری)»، «اختصاص یافتن (به انجام کاری)» و نیز «خودداری

۱. در حالی که قاطبه سامی‌شناسان به وجود ارتباط ریشه‌شناختی میان ماده‌های «ندر» و «نزر» در زبان‌های سامی حکم کرده‌اند (Smith & Cook, 1911, p. 319 / Barbieri, 2003, p. 217 / Gesenius, 1939, p. 623)، سامی‌شناسان سده نوزدهم، محتاطانه این دو ماده و معانی آن‌ها را با یکدیگر قابل‌مقایسه اعلام کرده بودند (Brun, 1895, p. 344).

کردن»، «پرهیز کردن» و «امساک کردن» است (Gesenius, 1939, p. 634).<sup>۱</sup> این واژه افزون بر معانی پیشین، معنای «انجام دادن نذر نذیره» را نیز به خود گرفته است. نذر نذیره نوع خاصی از نذر در آیین یهود است که با آداب و قوانین ویژه‌ای مشتمل بر پرهیز و امساک از برخی امور صورت می‌پذیرد. از همین واژه، واژگان נֶזֶר (nēzer) به معنای «تخصیص / وقف»، נֶזֶר (nāzīr) به معنای «آنکه وقف می‌کند و اختصاص می‌دهد / آنکه نذر نذیره را به‌جا می‌آورد»، נֶזֶרָה (nēzīrah) به معنای «پرهیز کردن / امساک کردن» و נֶזֶרֹת (nēzīrūt) به معنای «نذر نذیره» ساخته شده‌اند (Klein, 1987, p. 410 / Gesenius, 1939, p. 634).

در زبان آرامی ترگوم نیز واژه נֶזֶר (nāzar) و مشتقات آن در ابواب هیفعل و نیفعل، بر معانی فوق‌الذکر دلالت دارند. همچنین واژگان נֶזֶר (nēzīr) و נֶזֶר (nēzar) در همین زبان به معنای «خودداری کردن / امساک کردن» و «نذر نذیره را به‌جا آوردن» به ثبت آمده‌اند (Dalman, 1901, p. 255 / Jastrow, 1903, vol. 2, p. 893).

همچنین باید از ماده נזר (nZR) در زبان سریانی یاد کرد که به معنای «خودداری کردن / پرهیز کردن» و «زندگی کردن در حالت پرهیز و خویش‌داری» است. از همین ماده، واژه נזר (nāzār) ساخته شده که به معنای «به‌جا آوردن نذر نذیره» است. در ادامه معنای «امساک» و «پرهیز»، شاهد ساخت معنای «زاهد» و «تارک دنیا» در زبان سریانی هستیم که واژه נזר (nazīr) بر آن دلالت دارد (Brun, 1895, pp. 344-345 / Costaz, 2002, p. 201).

در انتقال بحث از شاخه‌های شمالی به شاخه‌های جنوبی سامی، باید از ماده נזר (nZR) در زبان گعزی یاد کرد که به معنای «وقف شدن برای خدمت‌گزاری به خدا» است. نیز واژه‌های «nāzāri» و «nazur» به معنای «آنکه وقف خدمت‌گزاری به خدا شده»، و واژه‌های «nazrāwi» و «nāzrāwi» به معنای «تارک دنیا»، «زاهد» و حتی به اعتبار اینکه مسیحیان به زهد و رهبانیت تشویق شده‌اند، به معنای «فرد مسیحی» هستند (Leslau, 1991, p. 412).

۱. گفتنی است، برخی سامی‌شناسان از رابطه ریشه‌شناختی ماده «نزر» با واژه آشوری «nazāru» سخن گفته (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۹۰۱ / Gesenius, 1939, p. 634) و برخی دیگر از امکان مقایسه آن‌ها با یکدیگر صحبت کرده‌اند (Jeffery, 1938, p. 278)؛ واژه‌ای که در زبان آشوری به معنای «نفرین کردن»، «ناسزا گفتن» و «اهانت کردن» است (Gelb, /Black, 2000, pp. 248, 256 / Muss-Arnolt, 1905, vol. 2, p. 661). (1998, vol. 11, pp. 139, 143, 304).

در آخر، گفتنی است چنان‌که گزنیوس تصریح کرده و در زبان‌های سریانی و گعزی نیز مشهود است، این ماده همواره در بافتی دینی به کار می‌رود و دارای بار معنایی الهیاتی است (Gesenius, 1939, p. 634). آنچه قرار است از آن پرهیز گردد یا از انجام دادنش خودداری شود، تنها برای جلب رضایت خدا است. نیز آنچه یک فرد برای انجام دادن آن وقف شده و بدان اختصاص یافته، فرمانبرداری از خدا و خدمت به اوست. از همین روست که شاهد ساخت معنای «نذر نذیره» به‌مثابه یکی از آیین‌ها و مناسک دینی در شریعت یهود از این ماده هستیم.

#### ۴-۲- بازخوانی انگاره قرآنی «نذر» بر پایه نذر نذیره در آیین یهود

چنان‌که گذشت، «نذر نذیره» نوع خاص و منحصربه‌فردی از نذر در آیین یهود است که بر ساخته از ماده **נָזַר** (نزر) به معنای «امساک کردن/ پرهیز کردن» و «وقف کردن/ تخصیص دادن» است. با نظر به اینکه بر پایه قواعد تبدیل واجی، معادل ماده عربی «نذر» (به معنای نذر کردن) باید در زبان عبری **נָזַר** (نزر) باشد و نیز با عنایت به دلالت این ماده عبری بر نوع خاصی از نذر، این احتمال قوت می‌یابد که دست‌کم برخی از کاربردهای قرآنی واژه «نذر» را بتوان در ارتباط با «نذر نذیره» بهتر درک کرد.

نذر نذیره از جمله مناسک دینی آیین یهود به شمار می‌رود که اختصاص باب ویژه‌ای از سفر اعداد (باب ۶: ۱-۲۱) و مشنا به بیان احکام و قوانین مربوط به آن، حاکی از اهمیت این نوع خاص از نذر در شریعت یهود است (Lauterbach (a), 1905, p. 197). این نذر عهد و پیمان دوطرفه میان یک عبرانی با خدای خود یهوه است که به‌موجب آن متعهد می‌شود برای زمان مشخصی، از انجام سه کار امساک ورزد: (الف) او وعده می‌کند که در طول مدت نذر، از نوشیدنی‌های مست‌کننده و نیز تمامی محصولات خوراکی مرتبط با انگور پرهیز کند. (ب) او متعهد می‌شود که از تماس با هر جنازه‌ای ولو جنازه خویشانِ نزدیکش اجتناب ورزد. (ج) مهم‌ترین وعده او در طول نذر که بارزترین نشانه ظاهری بر «نذر نذیره» به شمار می‌رود، نتراشیدن موی سر و بلند نگاه داشتن آن تا پایان دوره نذر است (Smith & Cook, 1911, p. 319 / Driscoll, 1913, p. 727 / Milgrom, 2007, pp. 45-46). پس از انقضای دوره امساک، نذرکننده همراه با قربانی‌های حیوانی به معبد رفته، موهای خود را می‌تراشد و آن‌ها را در آتش قربانگاه، به‌عنوان قربانی سوختنی می‌گذراند (Barton (a), 1905, p. 195). اگر او در طول دوره، (Milgrom, 2007, p. 46 / Smith & Cook, 1911, p. 319).

عملی مغایر با پرهیزهای سه‌گانه انجام دهد، موظف است که یک قربانی به‌عنوان کفاره بگذراند و دوره امساک را از سر گیرد (Barton (a), 1905, p. 195).

بازه زمانی «نذر نذیره» کاملاً داوطلبانه و به اختیار ناذر، می‌تواند از یک ساعت تا تمامی عمر وی را شامل شود؛ هر چند که زمان معمول برای آن، سی روز است. بر همین اساس، نذر نذیره بر پایه مدت نذر به دو گونه «موقت» و «دائمی» تقسیم می‌شود. فردی که پیمان می‌بندد تمامی عمر خود را در حال «نذر نذیره» سپری کند، تنها مجاز است که یک‌بار در سال، موهای خود را کوتاه کند؛ هر چند که از آن در سختی و آزار باشد (Blau, 1905, p. 196).

گونه دیگری از «نذر نذیره» که در متون دینی یهود از آن سخن رفته است، نذری است که به‌موجب آن، والدین یک فرزند با یهوه پیمان می‌بندند که فرزند ذکورشان را در راه خدا وقف کرده، او را برای تمامی عمر، به‌منظور جلب رضایت یهوه نذیره نمایند (Driscoll, 1913, p. 727). عهد عتیق در دو موضع، از شخصیت‌های بنامی یاد کرده است که از رحم مادرانشان، در راه خدا نذر نذیره شده‌اند:

(الف) شمشون که یکی از داوران بنی‌اسرائیل محسوب می‌شود، از جمله کسانی است که به روایت عهد عتیق، فرشته خدا بر مادرش که زنی نازا بود، ظاهر شده، به او بشارت داد که صاحب فرزند ذکوری خواهد شد که برای خدا نذیره شده، اُستَرَه (تیغ) بر سرش تماس نخواهد یافت (کتاب داوران، ۱۳: ۵).

(ب) سموئیل نبی دیگر شخصیتی است که بنا به روایت عهد عتیق، از سوی مادر نازایش که آرزوی فرزند داشت، در راه خدا نذیره شد: «و نذر کرده گفت: ای یهوه صباپوت! اگر فی‌الواقع به مصیبت کنیز خود نظر کرده مرا به یاد آوری و کنیزک خود را فراموش نکرده اولاد ذکوری به کنیز خود عطا فرمایی، او را تمامی ایام عمرش به خداوند خواهم داد و اُستَرَه بر سرش نخواهد آمد» (کتاب اول سموئیل نبی، ۱: ۱۱). برخی دین‌پژوهان بر این باورند که بر پایه برخی از آیات کتاب اعمال رسولان (باب ۱۸: ۱۸) می‌توان نتیجه گرفت که نذر نذیره موقت، ولو اندک اما همچنان در میان فرقه‌های متقدم یهودی-مسیحی به‌جا آورده می‌شده است. این نوع خاص از نذر، بعدها با ریاضت‌های سالکانه و زاهدانه<sup>۱</sup> پیوند خورده و به فراموشی سپرده شده است (Driscoll, 1913, p. 727).

اینک مبتنی بر داده‌های زبان‌شناختی پیرامون ماده «نذر» و اطلاعات دین‌شناختی پیرامون احکام «نذر نذیره» در آیین یهود، می‌توان به بازخوانی انگاره «نذر» در طیفی از آیات قرآن کریم دست زد.

مرور بر آیات قرآنی نشان می‌دهد که واژه «نذر» در آیه شریفه ﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (آل عمران: ۳/ ۳۵)، از «نذر نذیره» در شریعت یهود سخن گفته، بدین ترتیب قابل مقایسه با ماده «نذر» در دیگر زبان‌های سامی است. استفاده از این واژه در بافت یهودی، غمگین شدن همسر عمران از زاییدن دختر به‌جای پسر، مشابهت بسیار آن با نذرهای مادران شمشون و سموئیل در عهد عتیق و مطابقت برداشت‌های تفسیری صحابه و تابعان با این نوع ویژه از آیین یهودی (ر.ک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، صص ۱۵۷-۱۵۸ / ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۶۳۶ / سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، صص ۱۸-۱۹)، بر درستی ادعای مطرح‌شده صحه می‌گذارند.

شایان ذکر است، گزارش‌هایی از فرهنگ جاهلی عرب در منابع به ثبت آمده است که نشان می‌دهد آن‌ها با این نوع ویژه از نذر آشنایی داشته‌اند. غوث بن مُرّ که مدتی، تولیت یکی از مناصب کعبه مشرفه را بر عهده داشت، از مادری زاده شد که صاحب فرزند نمی‌شد. مادرش که از قبیله جُرهم بود، نذر کرد که اگر صاحب پسر شود، او را وقف خدمت به کعبه کرده، به انجام امور آن بگمارد<sup>۱</sup> (ابن هشام، ۱۴۱۱، ج ۱، صص ۲۴۹-۲۵۰ / برای مشاهده گزارش مشابه درباره غوث بن اخزم، ر.ک. ازرقی، ۱۴۰۳، ج ۱، صص ۱۸۶-۱۸۷). صرف‌نظر از ارزیابی صحت و سقم این گزارش تاریخی، آنچه می‌توان به‌عنوان گفتمان پس‌آن پی برد، آشنایی عرب شبه‌جزیره با نذر نذیره است.

در جستجوی ردّ پای نذرهای نذیره موقت در فرهنگ عربی-اسلامی، می‌توان به مقایسه گونه عبری-یهودی آن با دوره احرام حاجیان در مناسک حج پرداخت (Barton (b), 1905, p. 197 / Smith & Cook, 1911, p. 319). اگرچه تفاوت‌های جزئی بسیاری میان دوره احرام با نذر نذیره یهودیان وجود دارد، اما در شاکله اصلی، از شباهت‌های بسیار نیز برخوردارند. حج‌گزار در دوره احرام، از زندگی روزمره دنیوی و تعلقات مادی، چشم می‌پوشد و خود را برای مدت مشخصی، وقف خدا کرده، برای جلب رضای او، تمامی اوقاتش را به انجام مناسک

۱. برای مشاهده اطلاعاتی پیرامون نقش قبیله جُرهم در تولیت کعبه مشرفه، ر.ک: آلوسی، ۱۳۱۴، ج ۱، صص ۲۴۵-

۲۴۶ / فروخ، ۱۹۸۴، صص ۱۰۹-۱۱۰ / بیومی، بی‌تا، صص ۱۷۶، ۳۹۹-۴۰۰.

دینی ویژه‌ای اختصاص می‌دهد. چنان‌که از نام احرام نیز برمی‌آید، او موظف است، از انجام برخی امور اجتناب کرده، دوره‌ای از امساک را پشت سر گذارد. برای نمونه، مُحْرِم اجازه تراشیدن موهای سر و صورت خود را تا پایان دوره احرام ندارد. در انتهای دوره، او موظف است یک قربانی بگذراند، موی سرش را بترشد و نذر خود با خدا را به اتمام رساند (برای مقایسه میان تراشیدن موی سر در مراسم حج با نذر نذیره یهودیان، ر.ک. /Smith, 1927, p. 333. (Pedersen, 1993, p. 846).

قرآن کریم نیز در بیان اعمال و مناسک دوره احرام، از همین امور سخن گفته و نقطه پایان بخش آن را وفای به نذر حج گزار خوانده است: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَ لِيُطَوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۲۲ / ۲۹). مرور بر اقوال منقول از مفسران صحابه و تابعین نشان می‌دهد که طیف وسیعی از ایشان همچون ابن عباس، عکرمه، مجاهد بن جبر، حسن بصری، عطاء بن ابی رباح، ضحاک بن مزاحم، محمد بن کعب قرظی و ابن جریج بر دلالت «قضاء التفث» بر تراشیدن موی سر اتفاق نظر دارند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، صص ۱۰۹-۱۱۰ / ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۸، صص ۲۴۸۹-۲۴۹۰ / ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۳۶۷). همین دیدگاه تفسیری از سوی ابوالصباح کنانی، عبدالله بن سنان و حلبی به امام صادق (ع) نیز نسبت داده شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۰۳ / ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۸۵ / همو، ۱۴۰۳، ص ۳۳۹). بر این اساس، مُحْرِم که می‌بایست در دوره احرام از تراشیدن موهای سر خود اجتناب ورزد، اینک به میمنت انقضای این دوره، آن‌ها را به‌مثابه گذراندن قربانی از خود جدا می‌نماید. این عمل عبادی که از آن به «حلق و تقصیر» یاد می‌شود، بخشی از اعمال حج محسوب می‌گردد و لازم است با نیت و قصد قربت همراه باشد (برای آگاهی از پیشینه حلق و تقصیر در مناسک حج نزد عرب پیش از اسلام، ر.ک. ابن کلیبی، ۲۰۰۰، صص ۱۴، ۴۸). حج گزار پس از انجام این مناسک دینی، طواف نهایی را به‌جا می‌آورد و به‌این ترتیب، از دوره احرام فراغ یافته، به زندگی روزمره خود بازمی‌گردد. کاربست ترکیب وصفی «البيت العتيق» در عبارت شریفه ﴿وَلِيُطَوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۲۲ / ۲۹) کاملاً قابل توجه است. صرف‌نظر از اینکه «العتیق» دلالت بر قدمت و کهنگی این خانه دارد یا آزاد بودنش (ر.ک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، صص ۱۱۰-۱۱۱)، کاربست آن، مخاطبان را بر اساس یک

۱. نمونه دیگر از تراشیدن موی سر به‌عنوان یک قربانی در فرهنگ عربی را می‌توان در آیین «عقیقه» بازجست که در آن، موی نوزاد را بر پایه این باور که مورد حمایت خداوند قرار می‌گیرد، می‌تراشیدند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک. /Smith, 1927, pp. 328-330. العلی، ۲۰۰۰، ص ۲۶۸).

تداعی ذهنی، به نقش طواف پایانی کعبه در رهایی حج‌گزار از دوره احرام رهنمون می‌سازد. متخصصان حوزه الهیات یهودی نیز پایان دوره نذر نذیره را با توجه به اشتغال آن بر مجموعه‌ای از پرهیزها و امساک‌ها، بازگشت فرد به دوره آزادی‌اش معنا کرده‌اند (Driscoll, 1913, p. 727). بر پایه آنچه گذشت می‌توان معنای واژه «نذر» در آیه بیست و نهم سوره مبارکه حج را قابل مقایسه با معنای ماده «نزر» و آیین نذر نذیره موقت در شریعت یهود دانست.

#### ۴-۳- تحلیل زبان‌شناختی از ماده «ندر» در زبان‌های سامی

چنانکه پیش‌ازین گذشت، بخشی از همزادهای ماده عربی «نذر» (به معنای نذر کردن) در زبان‌های سامی را می‌توان در ماده «ندر» پی جست. جستجو در فرهنگ‌های زبان‌های سامی نشان از حضور گسترده این ماده در شاخه‌های مختلف این خانواده زبانی دارد. در سخن از شاخه شمالی حاشیه‌ای، باید از واژه «nadārum» در زبان اکدی یاد کرد که به معنای «پیمان بستن» و «عهد کردن» است (Black, 2000, p. 229). در انتقال بحث به شاخه شمالی مرکزی، شاهد طیف وسیعی از زبان‌ها هستیم که این ماده را در معانی فوق به کار بسته‌اند. ماده «ndr» در زبان‌های فنیقی، پونی، پالمیری، اوگاریتی و آرامی شاهنشاهی، هم به معنای فعلی «پیمان بستن/ عهد کردن» و هم به معنای اسمی «عهد» و «پیمان» به ثبت آمده است (Olmo Lete, Hoftijzer, 1995, pp. 717-719/Krahmalvok, 2000, p. 326 /2003, p. 621). واژه נָדַר (nādar) در زبان‌های عبری و آرامی ترگومی به معنای «عهد کردن» و «پیمان بستن»، و واژگان נִדְרָא (nēder) و נִדְרָא (neder) در همین زبان‌ها به معنای «عهد» و «پیمان» هستند (Jastrow, 1903, vol. 2, pp. 879-880 /Gesenius, 1939, pp. 623-624). شایان ذکر است، چنانکه صاحب‌نظران اشاره کرده‌اند، این ماده در متون دینی یهود چون عهد عتیق، ترجمه آرامی آن (ترگوم)، منابع تلمودی و مدراشی، بر پیمان‌ها و عهدهای دینی با خدا نیز اطلاق می‌شود. همچنین باید از واژگان נִדְרָא (nedar) و נִדְרָא (nedrā) در زبان سریانی یاد کرد که به ترتیب به معنای «عهد کردن/ پیمان بستن» و «عهد/ پیمان» هستند (Costaz, 2002, p. 198 /Brun, 1895, p. 337). ماده «NDR» در زبان مندایی نیز به معنای «عهد کردن/ پیمان بستن» و «قول دادن» است که از آن، واژه «nadar» به معنای «عهد و پیمان» ساخته شده است (Drower, 1963, pp. 281, 290). در انتقال بحث از شاخه‌های شمالی به شاخه‌های جنوبی سامی، باید از ماده «نذر» در زبان عربی یاد کرد

که به وضوح مشتمل بر مؤلفه معنایی «عهد و پیمان» است؛ غایت الامر آنکه این ماده آن گونه که در منابع لغوی بازتاب یافته است، همواره در زبان عربی دارای بار معنایی دینی است و تنها به عهدها و پیمان‌هایی که انسان‌ها با خدای خود می‌بندند، اشاره دارد.

#### ۴-۴- بازخوانی انگاره قرآنی «نذر» بر پایه «نذر» در آیین یهود

گفته آمد که ماده **נָזַר** (نذر) در زبان عبری، بر پیمان‌ها و عهدهای عبرانیان با یهوه نیز اطلاق می‌شده است. واژه **נָזַר** (نذر) که از همین ماده ساخته شده، به معنای نذری است که مطابق با آن، یک عبرانی با یهوه عهد و پیمان می‌بندد که به شرط استجابت دعایش، عملی را انجام دهد یا ترک نماید (McFadyen, 1922, p. 654). این آیین دینی ادبیات نسبتاً گسترده‌ای را در شریعت یهود به وجود آورده، ابواب ویژه‌ای از سفر اعداد (باب ۳۰: ۱-۱۶) و مشنا به بیان احکام و قوانین مربوط به آن اختصاص یافته‌اند (Lauterbach (b), 1905, p. 205).

ساخت انگاره «نذر» بر پایه انتقال معنایی از «پیمان بستن»، وجه ممیزه آن از «نذر نذیره» را آشکار می‌سازد؛ درحالی‌که نذر نذیره نسبت به مؤلفه معنایی «پرهیز/امساک» نشان‌دار است، «نذر» نسبت به این مؤلفه معنایی بی‌نشان است. به بیان دیگر، «نذر» بر مطلق نذرهای یک عبرانی با یهوه، و «نذر نذیره» بر نوع خاصی از نذر که مشتمل بر قوانین خاص و منحصر به فردی از امساک است، اطلاق می‌گردد. رابطه عموم و خصوص مطلق میان این دو گونه از نذر را می‌توان به وضوح در یادکرد عهد عتیق از «نذر نذیره» مشاهده نمود. عهد عتیق بارها هنگام بحث از احکام نذر نذیره، آن را **נָזַר נִזְרֵי** (نذر نذیر) می‌خواند که به وضوح حکایت از رابطه شمول معنایی میان انگاره‌های «نذر» و «نذر نذیره» دارد.

نسبت‌سنجی مفهوم ساخت یافته «نذر» در فقه اسلامی با انگاره‌های «نذر» و «نذر نذیره» نشان از قابل مقایسه بودن نذر اسلامی با آیین نذر در شریعت یهود دارد. همچنین مرور بر کاربردهای واژه «نذر» در قرآن کریم نشان می‌دهد که این واژه در آیات ۲۷۰ بقره، ۲۶ مریم و ۷ انسان قابل مقایسه با آیین نذر - نه نذر نذیره - در شریعت یهود است. این آیات شریفه از مجموعه پیمان‌هایی یاد می‌کنند که نذرکنندگان به منظور برآورده شدن حوایجشان با خدای خود منعقد ساخته بودند.

#### ۴-۵- نذر؛ از حقیقت شرعی تا حقیقت متشرعه



چنانکه تحلیل‌های زبان‌شناختی و بین‌الادیانی نشان داد، دو گونه متفاوت از «نذر» را می‌توان در بافت نزول قرآن کریم از یکدیگر بازشناخت. آیات ۳۵ آل عمران و ۲۹ حج از نذری در بافت نزول سخن می‌گویند که نظیرش را می‌توان در فرهنگ عبرانی در قالب «نذر نذیره» بازجست. نادر در این‌گونه از نذر، دوره‌ای از امساک و پرهیز را تجربه می‌کند و خود را وقف عبادت خدا یا خدمت به زوآر می‌گرداند. مابقی آیات از نذری یاد می‌کنند که طبق آن، نادر موظف است مطابق با آنچه با خدا پیمان بسته است رفتار کند؛ گونه‌ای از نذر که نظیرش را می‌توان در شریعت یهود در آیین «نذر» مشاهده کرد. شواهد نشان می‌دهد که گونه نخست از نذر، در عصر صحابه و تابعان رو به فراموشی گذارده و به کلی مهجور شده است. بر همین اساس، «نذر» در آیات ۳۵ آل عمران و به‌ویژه ۲۹ حج موضوع مناقشات تفسیری قرار گرفته، آستن اختلاف آرا گردیده است. در اعصار پسین نیز شاهد کوشش‌های بسیار برای تقریب معنای آن به گونه رایج و شناخته از نذر هستیم. در برابر، آگاهی‌ها از گونه دوم نذر، به حد کفایت بوده، حتی نیاز به شرح و تفسیر آن احساس نمی‌شده است. متوازن نبودن سطح آگاهی‌ها از این دو نوع مختلف از نذر موجب شد که در نهایت، شاهد حذف گونه نخست به نفع دیگری باشیم.

اگرچه گونه دوم از «نذر» همچنان در عصر صحابه و تابعان به حیات خود ادامه داد، اما قوانین و احکام آن دستخوش تغییرات فراوانی گردید (برای آگاهی بیشتر در این‌باره، ر.ک. Heck, 2006, pp. 449-450 / Pedersen, 1993, p. 846). خودآگاهی نسبت به تحول آیین‌نامه نذر در گذر از فرهنگ جاهلی به فرهنگ اسلامی موجب تولید حجم قابل‌ملاحظه‌ای از روایات اسلامی گشت که در آن، از عرضه برخی نذور جاهلی به پیامبر اکرم (ص) برای دریافت حکم جدید سخن رفته است. برای نمونه، روایاتی از خلیفه دوم بر جای مانده است که مطابق آن، وی پیامبر اکرم (ص) را از نذری که در دوره جاهلی بر ذمه خود قرار داده بود، آگاه کرده، تکلیف خود را در قبال آن جویا شد (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۱۴ / مسلم بن حجاج، ۱۹۵۵، ج ۳، ص ۱۲۷۷). نیز در برخی دیگر از روایات، عمل به مفاد نذور دوره جاهلی، مشروط به انجام آن در اماکنی شده است که از لوث نشانه‌ها و نمادهای جاهلی پاک و مبرا باشند. برای نمونه، برخی صحابه از گفتگوی پیامبر اکرم (ص) با فردی خبر داده‌اند که قصد نحر یک حیوان را در منطقه‌ی بوانة برای وفای به نذرش داشت. حضرت (ص) پس از حصول اطمینان از نبود بت در آن مکان، اجازه عمل به مفاد آن نذر را صادر فرمودند (ابو داوود، ۱۳۶۹، ج ۲، صص ۲۵۷-۲۵۸ / ابن ماجه، ۱۹۵۲، ج ۱، ص ۶۸۸ / صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۴۶۴). نیز باید از مجموعه‌ای پرشمار از روایات در منابع فریقین یاد کرد که از افرادی خبر می‌دهند که نذر کرده بودند خود یا فرزندشان

را در راه خدا قربانی کنند. صحابه و حضرات ائمه (ع) آن‌ها را از عمل به مفاد نذر نهی کرده و این‌گونه از نذور را ناصحیح اعلام کرده‌اند (برای مشاهده در منابع اهل سنت، ر.ک. مالک بن انس، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۷۶/ ابو نعیم، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۶۱/ نیز برای مشاهده در منابع امامیه، ر.ک. طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، صص ۳۱۷-۳۱۸/ همو، ۱۳۹۰، ج ۴، صص ۴۷-۴۸). وجود همین روایات در منابع اهل سنت موجب شد که برخی از مؤلفان جوامع روایی، ابواب جدیدی با نام‌های «نذر الطاعة» و «نذر المعصية» تعبیه کرده، با این طبقه‌بندی، نذرهای دوره جاهلی را از نذرهای دوره اسلامی تمییز دهند (برای نمونه، ر.ک. ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۹، صص ۴۵۴-۴۶۴).

### نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد، «نذر» از جمله انگاره‌هایی در بافت نزول قرآن کریم است که خاستگاه‌های متفاوتی در فرهنگ امّیین دارد. در ریشه‌یابی بُن سه‌حرفی «نذر» در زبان‌های سامی، دو معنای اصلی درخور توجه است: الف- ماده عربی «نذر» با صورت همزاد «نذر» در دیگر زبان‌ها، به معنای عهد کردن و پیمان بستن؛ ب- ماده عربی «نذر» با صورت همزاد «نذر» در دیگر زبان‌ها به معنای پرهیز کردن، امساک کردن، وقف شدن/ اختصاص یافتن (به انجام کاری). مطالعات عهدینی نشان می‌دهد، هر یک از این ماده‌ها نقشی مهم در شکل‌گیری یک انگاره دینی در شریعت یهود ایفا کرده است. انگاره «نذر» که به مطلق پیمان‌های دوطرفه میان نذرکننده و خدا اشاره دارد، بر ساخته از ماده نخست؛ و انگاره «نذر نذیره» که ناظر به دوره موقت یا دائمی از امساک همراه با احکام مشخص و ثابت است، بر ساخته از ماده دوم است.

در بحث از «نذر» در بافت نزول، شواهد نشان می‌دهد که هر دو گونه نذر در میان عرب پیش از اسلام، شناخته و رایج بوده است. به تفصیل بیان شد که نذر در آیات ۲۷۰ سوره بقره، ۲۶ مریم و ۷ انسان ناظر به گونه نخست، و در آیات ۳۵ آل عمران و ۲۹ حج ناظر به گونه دوم از نذر است. فاصله تاریخی- گفتمانی از بافت نزول موجب شد که به مرور زمان، «نذر» (با صورت همزاد نذر) به فراموشی سپرده شده، عرصه را به نفع «نذر» (با صورت همزاد نذر) ترک گوید.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ: چهارم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ش.
۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ به کوشش: اسعد محمد الطیب، عربستان: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
  ۲. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد؛ *المصنّف*؛ به کوشش: کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ ق.
  ۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ *جامع الاصول فی احادیث الرسول*؛ به کوشش: عبدالسلام محمد عمر علوش، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
  ۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *المخّصّال*؛ به کوشش: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
  ۵. \_\_\_\_\_؛ *معانی الاخبار*؛ به کوشش: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
  ۶. \_\_\_\_\_؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ به کوشش: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
  ۷. ابن شهر آشوب؛ محمد بن علی؛ *مناقب آل ابی طالب (ع)*؛ نجف اشرف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ش.
  ۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ به کوشش: محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
  ۹. ابن کلبی، هشام بن محمد؛ *کتاب الاضنام*؛ به کوشش: احمد زکی پاشا، قاهره: دار الکتب المصریه، ۲۰۰۰ م.
  ۱۰. ابن ماجه، محمد بن یزید؛ *السنن*؛ به کوشش: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار الفکر، ۱۹۵۲ م.
  ۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
  ۱۲. ابن هشام، عبدالملک بن هشام؛ *السیره النبویه*؛ به کوشش: طه عبدالرؤوف سعد، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۱ ق.
  ۱۳. ابو داوود، سلیمان بن اشعث؛ *السنن*؛ به کوشش: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره: دار إحياء السنة النبویه، ۱۳۶۹ ق.
  ۱۴. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله؛ *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۵ ق.
  ۱۵. ازرقی، محمد بن عبدالله؛ *أخبار مکة و ما جاء فیها من الآثار*؛ به کوشش: رشدی الصالح ملحس، بیروت: دار الأندلس، ۱۴۰۳ ق.
  ۱۶. آلوسی، محمود شکر؛ *بلوغ الارب فی معرفة أحوال العرب*؛ به کوشش: محمد بهجة الأثری، قاهره: دار الکتب المصری، ۱۳۱۴ ق.
  ۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *المجامع الصحیح*؛ به کوشش: مصطفی ديب البغاء، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق.

١٨. بلاذري، احمد بن يحيى؛ *أنساب الاشراف*؛ به كوشش: سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت: دار الفكر، ١٤١٧ ق.
١٩. بيومي، محمد؛ *دراسات في تاريخ العرب القديم*؛ اسكندريه: دار المعرفة الجامعية، بي تا.
٢٠. پاكتنجى، احمد؛ «*اهل كتاب*»؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامى، به كوشش: كاظم موسى بجنوردى و ديگران، ج ١٠، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى، ١٣٨٠ ش.
٢١. پوست، جورج؛ *فهرس الكتاب المقدس*؛ بيروت: مكتبة المشعل، ١٩٨١ م.
٢٢. خليل بن احمد فراهيدى؛ *كتاب العين*؛ قم: انتشارات هجرت، ١٤١٠ ق.
٢٣. راغب اصفهاني، حسين بن احمد؛ *المفردات في غريب القرآن*؛ به كوشش: صفوان عدنان داوودى، بيروت / دمشق: دار العلم / دار الشامية، ١٤١٢ ق.
٢٤. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر؛ *الدر المنثور في تفسير المأثور*؛ قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ ق.
٢٥. صنعانى، عبدالرزاق بن همام؛ *المصنّف*؛ به كوشش: حبيب رحمان الأعظمى، بيروت: المكتب الإسلامى، ١٤٠٣ ق.
٢٦. طباطبايى، سيد محمد حسين؛ *الميزان في تفسير القرآن*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٧ ق.
٢٧. طبرى، محمد بن جرير؛ *جامع البيان في تفسير القرآن*؛ بيروت: دار المعرفة، ١٤١٢ ق.
٢٨. طوسى، محمد بن حسن؛ *الاستبصار في ما اختلف من الاخبار*؛ به كوشش: حسن خراسان، تهران: دار الكتب الإسلاميه، ١٣٩٠ ق.
٢٩. \_\_\_\_\_؛ *التبيان في تفسير القرآن*؛ به كوشش: احمد قصير عاملى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بي تا.
٣٠. \_\_\_\_\_؛ *تهذيب الاحكام*؛ به كوشش: حسن خراسان، تهران: دار الكتب الإسلاميه، ١٤٠٧ ق.
٣١. على، جواد؛ *المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام*؛ بيروت / بغداد: دار العلم للملايين / مكتبة النهضة، ١٩٧٨ م.
٣٢. العلى، صالح احمد؛ *تاريخ العرب القديم و البعثة النبوية*؛ بيروت: شركة المطبوعات، ٢٠٠٠ م.
٣٣. فروخ، عمر؛ *تاريخ الجاهلية*؛ بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٨٤ م.
٣٤. قرطبي، محمد بن احمد؛ *الجامع لاحكام القرآن*؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٦٤ ش.
٣٥. *كتاب مقدس شامل عهد عتيق و عهد جديد*؛ تهران: انجمن كتاب مقدس ايران، ١٣٦٢ ش.
٣٦. كلينى، محمد بن يعقوب؛ *الكافي*؛ به كوشش: على اكبر غفارى، تهران: دار الكتب الإسلاميه، ١٤٠٧ ق.
٣٧. كمال الدين، حازم على؛ *معجم مفردات المشترك السامى في اللغة العربية*؛ قاهره: مكتبة الآداب، ١٤٢٩ ق.
٣٨. مالك بن انس؛ *الموطأ*؛ به كوشش: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٦ ق.

۳۹. مسلم بن حجاج: *الصحیح*؛ به کوشش: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۵۵ م.
۴۰. مشکور، محمدجواد؛ *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷ ش.
۴۱. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۸ ش.
۴۲. مظفر، محمدرضا؛ *أصول الفقه*؛ به کوشش: صادق حسن‌زاده، قم: منشورات العزیزی، ۱۴۲۸ ق.
۴۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ *التاریخ*؛ بیروت: دار صادر، بی‌تا.
44. Barbieri, A. L.; "*Nazarite*"; New Catholic Encyclopedia, 2<sup>nd</sup> edition, vol. 10, Washington, D. C.: Thomson Gale, 2003.
45. Barton (a), George; "*Nazarite: Biblical Data*"; The Jewish Encyclopedia, ed. Isidore Singer, vol. 9, USA: KTAV Publishing House, 1905.
46. Barton (b), George; "*Nazarite: Critical view*"; The Jewish Encyclopedia, ed. Isidore Singer, vol. 9, USA: KTAV Publishing House, 1905.
47. Black, J. et al.; *A Concise Dictionary of Akkadian*; Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2000.
48. Blau, Ludwig; "*Nazarite: In Rabbinical Literature*"; The Jewish Encyclopedia, ed. Isidore Singer, vol. 9, USA: KTAV Publishing House, 1905.
49. Brun, S.; *Dictionarium Syriaco-Latinum*; Beryti Phoeniciorum: Typographia PP. Soc. Jesu, 1895.
50. Costaz, Louis; *Syriac-English Dictionary*; Beirut: Dar El-Machreq, 2002.
51. Dalman, Gustaf; *Aramäisch-Neuhebräisches Wörterbuch zu Targum, Talmud und Midrasch*; Frankfurt: Kauffmann, 1901.
52. Driscoll, James; "*Nazarite*"; The Catholic Encyclopedia, ed. Charles G. Herberman, vol. 10, New York: The Encyclopedia Press, Inc, 1913.
53. Drower, E. S. & Macuch, R.; *A Mandaic Dictionary*; Oxford: Clarendon Press, 1963.
54. Gelb, Ignace, et al.; *The Assyrian Dictionary*; Chicago: Oriental Institute of Chicago University, 1998.
55. Gesenius, William; *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*; ed. F.A. Brown, Oxford: Oxford University Press, 1939.
56. Gray, Louis; *Introduction to Semitic Comparative Linguistics*; Amsterdam: Philo Press, 1971.
57. Heck, Paul; "*Vow*"; Encyclopedia of the Quran, ed. Jane Dammen McAuliffe, vol. 5, Leiden: Brill, 2006.
58. Hoftijzer, J. & Jongeling, K.; *Dictionary of the North-West Semitic Inscriptions*; Leiden: Brill, 1995.
59. Jastrow, Marcus; *A Dictionary of the Targumim*; London/New York: G. P. Putnam's Sons, 1903.

60. Jeffery, Arthur; *The Foreign Vocabulary of The Quran*; Baroda: Oriental Institute, 1938.
61. Klein, E.; *A Comprehensive Etymological Dictionary of the Hebrew Language*; Jerusalem: The University of Haifa, 1987.
62. Klinger, Elmar; "*Vows and Oaths*"; The Encyclopedia of Religion, ed. Mircea Eliade, vol. 15, New York: Macmillan Publishing Company, 1987.
63. Krahmalkov, Ch. R.; *Phoenician-Punic Dictionary*; Leuven: Peeters, 2000.
64. Lauterbach (a), J. Z.; "*Nazir*"; The Jewish Encyclopedia, ed. Isidore Singer, vol. 9, USA: KTAV Publishing House, 1905.
65. Lauterbach (b), J. Z.; "*Nedarim*"; The Jewish Encyclopedia, ed. Isidore Singer, vol. 9, USA: KTAV Publishing House, 1905.
66. Leslau, Wolf; *Comparative Dictionary of Ge'ez*; Wiesbaden: Otto Harrassowitz, 1991.
67. McFadyen, John Edgar; "*Vows: Hebrew*"; Encyclopedia of Religion and Ethics, ed. James Hastings, vol. 12, Edinburgh: T. & T. Clark, 1922.
68. Milgrom, Jacob; "*Nazarite*"; Encyclopedia Judaica, 2<sup>nd</sup> edition, vol. 15, USA: Thomson Gale, 2007.
69. Moscati, Sabatino; *An Introduction to the Comparative Grammar of the Semitic Languages*; Wiesbaden: Otto Harrassowitz, 1980.
70. Muss-Arnolt, W.; *A Concise Dictionary of the Assyrian Language*; Berlin: Reuther & Reichard, 1905.
71. O'Leary, De Lacy; *Comparative Grammar of the Semitic Languages*; London: Kegan Paul, 1923.
72. Olmo Lete, G. Del & Sanmartin, J.; *A Dictionary of the Ugaritic Language in the Alphabetic Tradition*; translated by Wilfred Watson, Leiden: Brill, 2003.
73. Pedersen, J.; "*Nadhr*"; The Encyclopedia of Islam, 2<sup>nd</sup> edition, vol. 7, Leiden: Brill, 1993.
74. Smith, William Robertson & Cook, Stanley Arthur; "*Nazarite*"; The Encyclopedia Britannica, 11<sup>th</sup> edition, vol. 19, Cambridge: Cambridge University Press, 1911.
75. Smith, William Robertson; *Lectures on the Religion of the Semites*; 3<sup>rd</sup> edition, London: A. & C. Black LTD., 1927.
76. Wright, William; *Lectures on the Comparative Grammar of the Semitic Languages*; Cambridge: Cambridge University Press, 1890.